



معماری نوین محاصره‌ی ایران در دوره‌ی بازآرایی ژئوپلیتیکی

اتصال حلقه‌ی قفقاز به جوانه‌ی هرمز

نویسنده: علی رحیمی پور، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و ارشد مدیریت دفاعی و مدرس دانشگاه

دیپلماسی ایرانی:

چکیده: جنگ سرد نوین، برخلاف نمونه‌ی قرن بیستم، با منطقی زنجیره‌ای و شبکه‌ای عمل می‌کند که در آن فشار بر هر حلقه، بلافاصله در سایر حلقه‌ها بازتاب می‌یابد (رحیمی پور، ۱۴۰۵). آنچه به‌عنوان "تهدید آذربایجان" در رسانه‌ها منعکس می‌شود، در واقع آزمونی برای شکستن بازدارندگی متقارن ایران از طریق فعال‌سازی حلقه‌ی قفقاز است. این مقاله با اتکا به داده‌های میدانی و منابع معتبر بین‌المللی از آمریکا، اروپا، قفقاز، پاکستان و ایران، نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان چگونه به "هاب عملیاتی" پروژه‌ی مهار ایران در جنگ سرد ایران در دوره‌ی بازآرایی ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که کریدور میانی، کریدور زنگزور، نوسازی نظامی باکو و بازی دوگانه‌ی ترکیه، چهار رکن اصلی این معماری محاصره را تشکیل می‌دهند. در پایان، ۶ پیشنهاد راهبردی برای خنثی‌سازی این تهدید ترکیبی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ سرد نوین، تنگه‌ی هرمز، کریدور میانی، جمهوری آذربایجان، بازدارندگی ترکیبی، کریدور زنگزور، قفقاز جنوبی، امنیت ملی ایران

مقدمه

از **زنجیره‌ی بحران تا حلقه‌ی قفقاز**، رحیمی پور (۱۴۰۵) در سایت دیپلماسی ایرانی به‌درستی جنگ سرد نوین را به‌صورت زنجیره‌ای از پنج جبهه‌ی به‌هم‌پیوسته ترسیم می‌کند که تنگه‌ی هرمز به‌عنوان "جوانه‌ی مرکزی" آن عمل می‌کند. در این چارچوب، حلقه‌ی قفقاز (با محوریت جمهوری آذربایجان) نقطه‌ی اتصال سه جبهه‌ی اصلی محسوب می‌شود: شرق آسیا از طریق کریدور میانی، شرق اروپا از طریق کریدور انرژی، و خلیج فارس از طریق تهدیدات مستقیم نظامی علیه ایران از مرزهای شمال غربی.

تحولات پس از فوریه‌ی ۲۰۲۶ و جنگ ایران، این حلقه را از یک "محور حاشیه‌ای" به "خط مقدم فعال" تبدیل کرده است. جنگ ایران دو پیامد ساختاری برای منطقه به همراه داشته است: نخست، بحران در تنگه‌ی هرمز، تقاضا برای مسیرهای جایگزین ترانزیتی را به شدت افزایش داده، دوم، افزایش ریسک‌های امنیتی، کشورهای منطقه را به سمت سرمایه‌گذاری در کریدور میانی سوق داده است (Caspian Policy Center [اروپا/اوراسیا]، 2026).

آنچه در این مقاله به‌عنوان "حلقه‌ی مفقوده" تحلیل می‌شود، نقش پنهان جمهوری آذربایجان در پیوند زدن سه جبهه‌ی بحران است، نقشی که نه تنها در سطح اقتصادی (ترانزیت انرژی و کالا)، بلکه در سطح نظامی (تهدیدات زمینی و هوایی) و امنیتی (حضور تکفیری‌ها و پایگاه‌های نیابتی) تعریف می‌شود. این مقاله درصدد است تا با رویکردی چندوجهی، ابعاد این نقش را به کاغذ و راهکارهای مقابله با آن را ارائه نماید.

۱- کریدور میانی، از یک آرزوی ژئوپلیتیکی تا یک ضرورت ساختاری^۱

^۱ کریدور میانی (Middle Corridor) که به‌عنوان "جاده‌ی ابریشم جدید" نیز شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر به‌دلیل جنگ اوکراین و اختلال در مسیرهای شمالی (روسیه) و همچنین بحران تنگه‌ی هرمز، به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس گزارش "مرکز سیاست خزر" (Caspian Policy Center, 2026)، این کریدور می‌تواند زمان حمل کالا از چین به اروپا را از ۴۵ روز (از طریق مسیر دریایی) به ۱۵ روز کاهش دهد. با این حال، ایران با داشتن بنادر چابهار، بندرعباس و امکانات ترانزیتی منحصر به فرد،

کریدور میانی (مسیر ترانس خزر) که از چین از طریق قزاقستان، دریای خزر، آذربایجان، گرجستان و ترکیه عبور می‌کند، سال‌ها به‌عنوان یک آرزوی ژئوپلیتیکی باقی مانده بود، اما محاصره‌ی تنگه‌ی هرمز آن را تقریباً یک‌شبه به یک ضرورت ساختاری تبدیل کرد (The National Interest [آمریکا], 2026). بر اساس گزارش مؤسسه‌ی "نشنال اینترست"، هنگامی که ایران عبور و مرور از تنگه‌ی هرمز را محدود کرد، تقاضا برای حمل‌ونقل کانتینری در کریدور میانی طی یک هفته ۴۵۰ تا ۵۰۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافت. حجم بار در بنادر آکائو و باکو به‌شدت افزایش یافت و زمان پردازش کانتینرها سه برابر شد (The National Interest [آمریکا], 2026).

جدول ۱: رشد کریدور میانی در پی بحران هرمز

شاخص	قبل از بحران (۲۰۲۵)	پس از بحران (۲۰۲۶)
تقاضای حمل‌ونقل کانتینری	٪۱۰۰	٪۴۵۰-۵۰۰
ظرفیت سالانه راه‌آهن BTK	۱ میلیون تن	۵.۴ میلیون تن
زمان حمل از چین به اروپا	۲۸-۳۲ روز	۱۳-۱۷ روز

منبع: (The National Interest, 2026; Caspian Policy Center, 2026)

با این حال، آنچه این کریدور را به جایگزینی امن‌تر از هرمز تبدیل می‌کند، در عین حال آن را به مجموعه‌ای از گلوگاه‌های زمینی جدید نیز مبدل ساخته است. آذربایجان گذرگاه دریای خزر و راه‌آهن باکو – تفلیس – قارص (BTK) را کنترل می‌کند، گرجستان پل زمینی میان دریای خزر و دریای سیاه را در اختیار دارد و ترکیه پایانه‌ی غربی و تنگه‌ی بسفر را کنترل می‌کند (The National Interest [آمریکا], 2026). این بدان معناست که کریدوری که برای جایگزینی یک گلوگاه دریایی طراحی شده، خود از چندین گلوگاه زمینی عبور می‌کند و به‌همین دلیل، از منظر امنیت زنجیره‌ی تأمین، آسیب‌پذیری‌های جدیدی را به وجود آورده است.

۲- نقش هاب‌گونه‌ی جمهوری آذربایجان در کریدور

جمهوری آذربایجان در این معماری جدید، نقشی فراتر از یک کشور ترانزیتی ایفا می‌کند. بر اساس تحلیل "تایمز آسیای مرکزی"، آذربایجان به‌عنوان "هاب ترانزیت غرب دریای خزر" شناخته می‌شود که زیرساخت‌های توسعه‌یافته برای حمل‌ونقل و پیشرفته‌ترین پایگاه نهادی در منطقه را دارد (Report. az [قفقاز/آذربایجان], 2026). بندر آلات^۲ در ۷۰ کیلومتری جنوب باکو، در سال ۲۰۲۴ بالغ بر ۶.۷ میلیون تن بار را جابه‌جا کرده و ظرفیت سالانه‌ی آن ۱۵ میلیون تن و ۱۰۰ هزار TEU است، فاز دوم برنامه‌ریزی‌شده، این ارقام را به ۲۵ میلیون تن و ۵۰۰ هزار TEU افزایش خواهد داد (Report. az [قفقاز/آذربایجان], 2026).

منشور مشارکت استراتژیک امضا شده میان الهام علی‌اف و جی‌دی ونس در فوریه‌ی ۲۰۲۶، کریدور میانی را در کنار انرژی، تجارت، ترانزیت، اتصال دیجیتال و جابه‌جایی مواد معدنی حیاتی قرار داده و آذربایجان را به‌عنوان "هاب انرژی، حمل‌ونقل، تجارت و لجستیک منطقه‌ی خزر" معرفی کرده است (Report. az [قفقاز/آذربایجان], 2026). سفر سناتور استیو دینز به باکو، آستانه و عشق‌آباد در ژوئیه‌ی ۲۰۲۶، این استراتژی نوظهور را تقویت کرده است. دیدارهای او با رهبران ارشد هر سه کشور، از یک ابتکار هماهنگ برای اتصال آسیای مرکزی به قفقاز جنوبی نشان دارد که با تأکید دولت ترامپ بر مشارکت‌های تجاری – محور همخوانی دارد (Eurasianet [فرمانطقه‌ای], 2026; Senator Steve Daines 2026 [آمریکا]). نکته‌ی حائز اهمیت این است که آذربایجان با بهره‌گیری از منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی (SEZ) در بندر آلات و معافیت‌های مالیاتی جذاب، توانسته است سرمایه‌گذاری‌های کلانی را از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس (به‌ویژه امارات و عربستان) جذب کند و به رقیبی جدی برای بنادر جنوبی ایران تبدیل شود.

۳- نوسازی نظامی آذربایجان، از بازدارندگی تا تهدید فرمانطقه‌ای

در کنار نقش اقتصادی، آذربایجان به‌سرعت در حال تبدیل شدن به یک قدرت نظامی منطقه‌ای با قابلیت‌های فرمانطقه‌ای است. بر اساس گزارش مجله‌ی "فوربس" (منتشرشده در منابع آذربایجانی)، تنش نظامی پیرامون ایران و تهدیدات ناشی از جنگ اخیر، باکو را به

هنوز هم می‌تواند نقش "هاب اتصال شمال – جنوب" را ایفا کند، به‌شرط آنکه دیپلماسی فعالی برای جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی به کار گیرد. پروژه‌ی راه‌آهن رشت – آستارا، یکی از کلیدی‌ترین گرمگاه‌های این کریدور است که تکمیل آن می‌تواند معادلات ترانزیتی منطقه را به‌نفع ایران تغییر دهد.

^۲ بندر آلات (Baku International Sea Trade Port) در ۷۰ کیلومتری جنوب باکو، به‌عنوان دروازه‌ی غربی کریدور میانی شناخته می‌شود. این بندر با بهره‌گیری از منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی (SEZ) و معافیت‌های مالیاتی، به یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری خارجی در قفقاز تبدیل شده است. فاز توسعه‌ی دوم این بندر که تا سال ۲۰۲۷ تکمیل خواهد شد، ظرفیت آن را به ۲۵ میلیون تن بار و ۵۰۰ هزار TEU (کانتینر) افزایش خواهد داد. این رقم، از ظرفیت فعلی بندر عباس حدود ۵.۳ میلیون TEU نیز فراتر خواهد رفت (Report. az, 2026). بنابراین، آذربایجان در حال تبدیل شدن به "دوبی خزر" است و این موضوع، تهدیدی جدی برای نقش تاریخی ایران در ترانزیت منطقه‌ای محسوب می‌شود. این بندر همچنین به‌عنوان پایگاهی برای صادرات نفت و گاز آذربایجان به اروپا از طریق خط لوله‌ی باکو-تفلیس-جیحان (BTC) عمل می‌کند.

تقویت بیشتر توانایی‌های پدافند هوایی خود سوق داده است (APA. az [قفقاز/آذربایجان], 2026; Olke. az 2026). در سال‌های اخیر، آذربایجان ۴۰ فروند جنگنده‌ی چندمنظوره‌ی³ "JF-17C Block III" ساخت پاکستان را وارد خدمت کرده است که با سیستم‌های راداری مدرن و موشک‌های دوربرد هوا-هوا تجهیز شده‌اند (APA. az [قفقاز/آذربایجان], 2026). این جنگنده‌ها که به‌عنوان نسل ۵.۴ طبقه‌بندی می‌شوند، دارای رادار AESA، کابین خلبان دیجیتال، سیستم کنترل پرواز دیجیتال و قابلیت شلیک موشک‌های فراتر از برد بصری (Beyond Visual Range) هستند (Republika. co. id [پاکستان/جنوب آسیا], 2026).

قرارداد اولیه برای خرید این جنگنده‌ها در فوریه‌ی ۲۰۲۴ منعقد شده و در می‌ی ۲۰۲۵ به ۴۰ فروند با ارزش حدود ۶.۴ میلیارد دلار افزایش یافته است (Republika. co. id [پاکستان/جنوب آسیا], 2026). این نشان می‌دهد که نوسازی نظامی آذربایجان، پیش از بحران اخیر برنامه‌ریزی شده بود و صرفاً واکنشی به جنگ ایران نیست (Oxu24. com [قفقاز/آذربایجان], 2026). همچنین گزارش شده که آذربایجان در حال شکل‌دهی یک سیستم پدافند هوایی چندلایه شامل سامانه‌های ساخت اسرائیل (مانند باراک-۸)، ترکیه (مانند هیسار) و چین (مانند اف-۲۰۰۰) است (APA. az [قفقاز/آذربایجان], 2026; Oxu24. com [قفقاز/آذربایجان], 2026).

جدول 2: توان نظامی جدید جمهوری آذربایجان ۲۰۲۶

نوع تجهیزات	تعداد مشخصات	کشور سازنده	نقش راهبردی
جنگنده JF-17C Block III	۴۰ فروند	پاکستان / چین	برتری هوایی در شمال غرب ایران
سامانه پدافند هوایی باراک-۸	نامشخص	اسرائیل	پدافند برد متوسط و بلند
سامانه پدافند هوایی هیسار	نامشخص	ترکیه	پدافند برد متوسط
پهپادهای تهاجمی (Bayraktar و دیگر مدل‌ها)	ده‌ها فروند	ترکیه / اسرائیل	جنگ نیابتی و شناسایی

منابع: (APA. az, 2026; Oxu24. com, 2026; Republika. co. id, 2026)

۴- بازی دوگانه‌ی ترکیه و پیچیدگی محورهای منطقه‌ای

ترکیه با موقعیت خود به‌عنوان کنترل‌کننده‌ی پایانه‌ی غربی کریدور میانی و تنگه‌ی بسفر، نقشی کلیدی در این معماری ایفا می‌کند. دیدار رجب طیب اردوغان با قاسم جومارت توقایف در آستانه در می‌ی ۲۰۲۶ و افزایش ۳۵ درصدی حمل بار ریلی میان آنکارا و آستانه در سال گذشته، از هماهنگی فزاینده‌ی میان دو کشور نشان دارد (The National Interest [آمریکا], 2026). از سوی دیگر، آنکارا با حضور در رزمایش "قدرت وحدت"⁵ و توسعه‌ی همکاری‌های دفاعی با باکو (از جمله فروش پهپادهای بیرقدار و سامانه‌های پدافندی)، در حال تثبیت نفوذ خود در قفقاز است.

این بازی دوگانه، یادآور سناریوی سوریه است که در آن ترکیه با بهانه‌ی مبارزه با کردها، منطقه‌ی حائل ایجاد کرد و بخش‌هایی از خاک سوریه را به اشغال خود درآورد. در ایران نیز، آنکارا در ظاهر با خنثی‌سازی طرح نفوذ کردها (که برخی تحلیلگران آن را "همکاری امنیتی" می‌نامند)، نقش "همکار" را بازی می‌کند، اما در پشت‌پرده، با حمایت از کریدور زنگزور و همکاری‌های دفاعی با باکو، در حال طراحی سناریوی برای ایجاد منطقه‌ی نفوذ در شمال غرب ایران است. این راهبرد، با جذب جمهوری آذربایجان به "گروه C-6" (جانشین-C-5 آسیای مرکزی) از سوی آمریکا، ابعاد تازه‌ای یافته است (Senator Steve Daines [آمریکا], 2026). نکته‌ی قابل تأمل این است که ترکیه با ایفای نقش "تثبیت‌کننده" در قفقاز، در واقع به دنبال "مدیریت بحران به نفع خود" است، به‌گونه‌ای که هم از منافع اقتصادی

³ جنگنده‌های JF-17 Thunder محصول همکاری مشترک چین (کارخانه هوانوردی چنگو) و پاکستان است. بلوک III این جنگنده، جدیدترین نسخه‌ی آن محسوب می‌شود که به رادار AESA (آرایه‌ی اسکن الکترونیکی فعال) و موشک‌های هواپه‌های پیشرفته‌ی PL-15 با برد بیش از ۱۴۵ کیلومتر مجهز شده است. ورود این جنگنده‌ها به آذربایجان، معادلات هوایی منطقه را به‌منفع باکو تغییر داده و توانایی پدافند هوایی ایران در مرزهای شمال غربی را به چالش کشیده است (Republika. co. id, 2026). همچنین انتقال فناوری و تولید مشترک احتمالی این جنگنده‌ها در آذربایجان، می‌تواند وابستگی نظامی باکو به روسیه را کاهش داده و آن را به سمت محور چین-پاکستان سوق دهد. این موضوع، زنگ خطری جدی برای توازن قوای نظامی در منطقه محسوب می‌شود.

⁴ Fly-by-Wire

⁵ رزمایش "قدرت وحدت" که قرار است در آذربایجان برگزار شود، اولین رزمایش مشترک نظامی با حضور همزمان نیروهای ترکیه، ایران، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی (قرقیزستان و ازبکستان) است. این رزمایش، از یک سو نشان‌دهنده‌ی همگرایی نظامی کشورهای ترک‌زبان است و از سوی دیگر، بهانه‌ای برای حضور نظامی گسترده‌ی ترکیه در مرزهای ایران فراهم می‌آورد. برگزاری این رزمایش در مجاورت استان‌های آذربایجان شرقی و غربی ایران، در کنار ادعاهای ارضی اخیر مقامات باکو (مانند ادعای قابیل حسینلی درباره‌ی حمله زمینی به ایران)، زنگ خطری جدی برای امنیت مرزهای شمال غرب ایران محسوب می‌شود (وزارت دفاع جمهوری آذربایجان، ۲۰۲۶). تحلیلگران نظامی معتقدند که این رزمایش، بستری برای هماهنگی عملیاتی میان نیروهای ترکی و پاکستانی در صورت بروز درگیری احتمالی با ایران است.

⁶ اصطلاح "گروه C-6" به ابتکار جدید آمریکا برای ایجاد یک ائتلاف اقتصادی – امنیتی شامل کشورهای حوزه‌ی خزر و قفقاز (آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان) اشاره دارد. این ابتکار که در سفر سناتور دینز در ژوئیه‌ی ۲۰۲۶ کلید خورد، در واقع جانشینی برای گروه C-5 (کشورهای آسیای مرکزی) محسوب می‌شود که با محوریت روسیه شکل گرفته بود. هدف آمریکا از این ابتکار، "خروج از انحصار روسیه و چین در کریدورهای انرژی و ترانزیت" و ایجاد مسیرهای جدید با نظارت واشنگتن است. این پروژه، در کنار کریدور زنگزور، به‌معنای "حذف تدریجی ایران از معادلات ترانزیت منطقه‌ای" است (Senator Steve Daines, 2026). همچنین این ابتکار، پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه را به شبکه‌ای از پایگاه‌های لجستیکی تبدیل خواهد کرد که می‌توانند در مواقع بحران، نقش کلیدی ایفا کنند.

کریدور میانی بهره‌مند شود و هم با گسترش نفوذ نظامی در منطقه، به یکی از بازیگران تعیین‌کننده در هرگونه معادله‌ی امنیتی آینده تبدیل شود.

۵- جمع‌بندی: از حلقه‌ی قفقاز تا جوانه‌ی هرمز

تحلیل ارائه‌شده نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان در دوره‌ی بازآرایی ژئوپلیتیکی، به حلقه‌ی کلیدی زنجیره‌ای تبدیل شده است که سه جبهه‌ی شرق آسیا، شرق اروپا و خلیج فارس را به هم متصل می‌کند. این کشور با ایفای نقش هم‌زمان به‌عنوان "هاب ترانزیت کریدور میانی" و "قدرت نظامی رو به رشد"، به ابزاری راهبردی برای محور غرب – اسرائیل در مهار ایران مبدل شده است. این تحلیل با یافته‌های مرکز سیاست خزر (Caspian Policy Center [اروپا/اوراسیا]، 2026) همخوانی دارد که تأکید می‌کند جنگ ایران، یک "هشدار ساختاری" برای کشورهای اوراسیا درباره‌ی نحوه‌ی تفکر درباره‌ی اتصال، ریسک و حاکمیت اقتصادی بوده است.

جدول 3: جایگاه حلقه‌ی قفقاز در زنجیره‌ی جنگ سرد نوین

جبهه‌ی	حلقه‌ی اتصال	نقش جمهوری آذربایجان	پیامد برای ایران
شرق آسیا	کریدور میانی (چین-قزاقستان-خزر-قفقاز-اروپا)	گذرگاه غربی دریای خزر و راه‌آهن BTK	کاهش نقش ایران در ترانزیت چین-اروپا
شرق اروپا	کریدور انرژی (دریای خزر به اتحادیه‌ی اروپا)	تأمین‌کننده‌ی گاز و مسیر ترانزیت	از دست دادن بازارهای انرژی اروپا
خلیج فارس	تهدید نظامی از شمال غرب	پایگاه نیابتی برای عملیات علیه ایران	فشار بر مرزهای شمال غرب و توزیع توان نظامی

منبع: نگارنده (Caspian Policy Center [اروپا/اوراسیا]، 2026)

فرجام تحلیل:

اگر "جوانه‌ی هرمز" حلقه‌ی مرکزی زنجیره‌ی جنگ سرد نوین است، "حلقه‌ی قفقاز"، حلقه‌ی کلیدی برای فشار بر این جوانه محسوب می‌شود. غفلت از این حلقه، به‌معنای واگذاری ابتکار عمل به دشمن و تکمیل پازل محاصره است. همان‌گونه که رحیمی‌پور (۱۴۰۵) تأکید کرده، "در زنجیره‌ای از بحران‌ها، قوی‌ترین حلقه، حلقه‌ای است که از گسست دیگران به نفع خود استفاده کند، نه حلقه‌ای که خود، مبدأ گسست باشد". مسیر آینده، نه در تسلیم دیپلماتیک که در بازدارندگی ترکیبی و درک عمیق از هم‌پیوندی تحولات جهانی تعریف می‌شود، بازدارندگی‌ای که بر پایه‌ی قدرت نظامی، اقتصاد مقاوم، انسجام ملی و دیپلماسی هوشمند استوار باشد.

۱- پیشنهاد‌های راهبردی

بر اساس تحلیل‌های ارائه‌شده و با توجه به جایگاه حساس حلقه‌ی قفقاز در زنجیره‌ی جنگ سرد نوین، پیشنهاد‌های راهبردی زیر به نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز و مراکز مطالعاتی کشور ارائه می‌شود:

- تقویت بازدارندگی ترکیبی در محور شمال غرب

با توجه به ورود جنگنده‌های F-17 به آذربایجان و افزایش توان رزمی باکو، و همچنین استقرار احتمالی سامانه‌های پدافندی اسرائیل و ترکیه در خاک آذربایجان، ضروری است:

استقرار سامانه‌های پدافند هوایی برد بلند (مانند S-300، باور-۳۷۳ و سامانه‌های بومی جدید) در استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان برای پوشش هوایی کامل مرزهای شمال غرب. این سامانه‌ها باید به‌گونه‌ای آرایش یابند که به پوشش هم‌زمان تهدیدات هوایی از شمال (آذربایجان) و غرب (ترکیه) قادر باشند.

افزایش گشت‌های پهپادی و راداری در منطقه‌ی قفقاز برای پایش تحرکات نظامی باکو و ترکیه و شناسایی زود هنگام هرگونه تحرک غیرعادی. استفاده از پهپادهای بلندپرواز (مانند پهپادهای سیم‌رغ و فطرس) برای پایش مرزهای آبی دریای خزر و حریم هوایی شمال غرب، می‌تواند تصویر امنیتی دقیقی را در اختیار فرماندهان قرار دهد.

برنامه‌ریزی برای رزمایش‌های مقابله‌ای در مرزهای شمال غرب با هدف نمایش قدرت بازدارندگی و کاهش جسارت دشمن. این رزمایش‌ها باید با حضور یگان‌های زرهی، موشکی و پهپادی برگزار شوند و پیام روشنی به باکو و آنکارا مبنی بر آمادگی کامل ایران برای دفاع از تمامیت ارضی خود ارسال کنند.

تقویت یگان‌های واکنش سریع و نیروهای ویژه در مرزهای شمال غرب برای مقابله با هرگونه نفوذ زمینی یا عملیات چریکی احتمالی.

- دیپلماسی فعال برای خنثی‌سازی کریدور زنگزور

کریدور زنگزور، محور اصلی پروژه‌ی محاصره‌ی ایران محسوب می‌شود. برای مقابله با آن:

تقویت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با ارمنستان به‌عنوان یک متحد طبیعی در برابر فشارهای ترکی - آذری. این همکاری می‌تواند قراردادهای ترانزیتی، انرژی (صدور گاز ایران به ارمنستان)، نظامی (همکاری در حوزه‌ی پدافند هوایی) و سیاسی (حمایت از مواضع ارمنستان در مجامع بین‌المللی) را شامل باشد. ایران باید از هرگونه تغییر در مرزهای بین‌المللی ارمنستان جلوگیری کند، چراکه این تغییر، به‌معنای تغییر در مرزهای ایران نیز خواهد بود.

ارائه‌ی ابتکار "صلح قفقاز" با محوریت تضمین امنیت مرزهای بین‌المللی و مخالفت با هرگونه تغییر در مرزهای شناخته‌شده. این ابتکار می‌تواند در چارچوب سازمان ملل و سازمان همکاری شانگهای مطرح شود و بر حق حاکمیت کشورها بر سرزمین‌های خود تأکید کند. پیشنهاد تشکیل "کمیته‌ی نظارت بر کریدورهای قفقاز" با حضور ایران، روسیه، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان نیز می‌تواند راهگشا باشد. فشار دیپلماتیک بر روسیه و چین برای ایفای نقش فعال‌تر در جلوگیری از تغییر ژئوپلیتیک قفقاز، چراکه هر دو کشور از کریدور زنگزور به‌عنوان تهدیدی برای منافع خود یاد کرده‌اند. روسیه نگران از دست دادن نفوذ خود در قفقاز جنوبی و چین نگران انحراف کریدور میانی به سمت یک پروژه‌ی تحت نظارت آمریکا است. این اشتراک منافع، بستر مناسبی برای همکاری سه‌جانبه ایران، روسیه و چین در قبال کریدور زنگزور فراهم می‌آورد.

- توسعه‌ی کریدور شمال - جنوب به‌عنوان جایگزین راهبردی

ایران باید با سرعت گرفتن از رقابت‌های موجود در منطقه، خود را به‌عنوان "هاب اتصال شمال - جنوب" معرفی کند و با تکمیل زیرساخت‌های ترانزیتی، نقش تاریخی خود را در این مسیر احیا کند:

تکمیل راه‌آهن رشت - آستارا به‌عنوان گره‌گاه اتصال دریای خزر به خلیج فارس. این پروژه‌ی راهبردی، با اتصال شبکه‌ی ریلی ایران به جمهوری آذربایجان و روسیه، می‌تواند زمان حمل کالا از هند به روسیه را به ۱۰ روز کاهش دهد و ایران را به کوتاه‌ترین و امن‌ترین مسیر ترانزیت منطقه تبدیل کند. بودجه‌ی این پروژه باید از محل صندوق توسعه‌ی ملی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی (به‌ویژه از روسیه و هند) تأمین شود.

عقد قراردادهای ترانزیتی بلندمدت با هند، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی که در آن، ایران تضمین‌کننده‌ی امنیت و سرعت ترانزیت باشد. این قراردادها می‌توانند شامل تخفیف‌های تعرفه‌ای برای ترانزیت کالا از مسیر شمال - جنوب باشند و جذابیت اقتصادی این کریدور را در مقایسه با کریدور میانی افزایش دهند.

توسعه‌ی بنادر چابهار و بندرعباس با جذب سرمایه‌گذاری خارجی (به‌ویژه از چین، هند و روسیه) و تبدیل آنها به بنادر رقابتی در برابر بندر آلأت. اتصال چابهار به شبکه‌ی ریلی سراسری کشور و ایجاد منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی در اطراف این بندر، می‌تواند آن را به یک قطب لجستیکی در جنوب آسیا تبدیل کند.

- جنگ نرم و مدیریت افکار عمومی در قفقاز

با توجه به فضا سازی رسانه‌ای گسترده‌ی باکو علیه ایران (ادعاهای قابیل حسین‌لی، حیدر اوغوز و شبکه‌های وابسته به دولت علی‌اف)، ضروری است:

راه اندازی شبکه‌های رسانه‌ای فارسی‌زبان و ترکی‌زبان برای روشننگری درباره‌ی اهداف واقعی غرب و اسرائیل در قفقاز و افشای همکاری‌های پنهان باکو - تل‌آویو. این شبکه‌ها می‌توانند به‌صورت مستند، هزینه‌های همکاری نظامی باکو با اسرائیل را برای مردم آذربایجان تبیین کنند.

تقویت همکاری‌های فرهنگی و مذهبی با شیعیان جمهوری آذربایجان (که حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند) و حمایت از حقوق آن‌ها به عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی ایران. اعزام هیئت‌های مذهبی، برگزاری همایش‌های مشترک و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی شیعیان، می‌تواند به ایجاد پیوندهای عمیق‌تر میان دو ملت کمک کند.

تولید محتوای تحلیلی مستند درباره‌ی پیامدهای همکاری نظامی باکو با اسرائیل و هزینه‌های آن برای امنیت و اقتصاد آذربایجان، و انتشار آن در رسانه‌های محلی قفقاز به زبان‌های ترکی، روسی و انگلیسی. همچنین باید به افکار عمومی منطقه نشان داد که این همکاری‌ها، چه تهدیداتی را برای امنیت جمعی قفقاز به همراه خواهد داشت.

- هماهنگی درونی و پرهیز از دوگانگی‌های راهبردی

شکاف‌های داخلی بر سر "مذاکره یا جنگ"، مهم‌ترین نقطه‌ی ضعف ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی محسوب می‌شود. برای رفع این آسیب:

تشکیل "شورای راهبردی قفقاز" با حضور نمایندگان وزارت امور خارجه، ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات، وزارت نفت و مرکز پژوهش‌های مجلس برای اتخاذ تصمیمات یکپارچه و هماهنگ در قبال تحولات قفقاز. این شورا باید به صورت هفتگی تشکیل جلسه دهد و گزارش‌های تحلیلی خود را به شورای عالی امنیت ملی ارائه کند.

شفاف‌سازی درباره‌ی تهدیدات قفقاز برای نخبگان و مردم، با هدف ایجاد اجماع ملی در برابر پروژه‌ی محاصره. برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور اساتید دانشگاه، تحلیلگران و مسئولان نظامی می‌تواند به افزایش درک عمومی از عمق تهدیدات کمک کند.

تأکید بر پیام رهبر معظم انقلاب درباره‌ی "نقض تفاهم‌نامه" و "بی‌اعتباری امضای آمریکا" به عنوان خط قرمز در هرگونه مذاکره‌ی جدید با غرب. هرگونه اظهارنظر خلاف این موضع، باید به عنوان "هم‌سوئی با دشمن" تلقی شده و با آن برخورد شود.

- بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورهای همسو (چین و روسیه)

اگرچه چین و روسیه در قبال بحران قفقاز رویکرد "انتظار و تماشا" دارند، اما منافع مشترکی با ایران در مخالفت با کریدور زنگزور و همچنین در حفظ نظم موجود در منطقه دارند:

رایزنی فشرده با مسکو و پکن برای امضای یک "بیانیه‌ی سه‌جانبه" درباره‌ی مخالفت با تغییر مرزهای بین‌المللی در قفقاز و تأکید بر حق حاکمیت کشورها بر سرزمین‌های خود. این بیانیه می‌تواند به عنوان یک سند حقوقی-سیاسی، مانع از هرگونه اقدام یک‌جانبه‌ی ترکیه و آذربایجان شود.

پیشنهاد تشکیل "کمیته‌ی نظارت بر کریدورهای ترانزیتی قفقاز" با حضور ایران، روسیه، چین، ترکیه و آذربایجان برای تضمین منافع جمعی و جلوگیری از انحصار آمریکا و اسرائیل بر کریدورهای منطقه. این کمیته می‌تواند به عنوان یک نهاد مشورتی، به شفاف‌سازی و کاهش تنش‌ها کمک کند.

استفاده از ظرفیت سازمان همکاری شانگهای (SCO) و اتحادیه‌ی اوراسیا (EAEU) برای ایجاد چارچوب حقوقی در برابر ابتکارات یک‌جانبه‌ی آمریکا. ایران به عنوان عضو ناظر و سپس عضو کامل این سازمان‌ها، می‌تواند طرح‌های خود را برای تأمین امنیت جمعی کریدورها به بحث بگذارد.

در نتیجه‌گیری نهایی بیان می‌شود جنگ سرد نوین، برخلاف نمونه‌ی قرن بیستم، با منطقی شبکه‌ای و زنجیره‌ای عمل می‌کند که در آن، بحران در یک نقطه، به سرعت به سایر نقاط سرایت می‌کند. در این معماری پیچیده، جمهوری آذربایجان به عنوان حلقه‌ی اتصال سه جبهه‌ی اصلی (شرق آسیا، شرق اروپا و خلیج فارس) ایفای نقش می‌کند و با ترکیب نقش‌های اقتصادی (هاب ترانزیت)، نظامی (قدرت هوایی و پدافندی) و امنیتی (پایگاه نیابتی اسرائیل)، به ابزاری راهبردی برای محاصره‌ی ایران تبدیل شده است.

تحلیل جامع منابع بین‌المللی نشان می‌دهد که کریدور میانی، کریدور زنگزور، نوسازی نظامی باکو و بازی دوگانه‌ی ترکیه، چهار رکن اصلی این معماری محاصره را تشکیل می‌دهند. با این حال، این تهدید ترکیبی، با دیپلماسی هوشمند، بازدارندگی نظامی، اقتصاد مقاوم و انسجام ملی قابل خنثی‌سازی است.

در فرجام سخن آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد، درک زنجیره‌ای از تحولات و اتخاذ تصمیمات هماهنگ در سطوح نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و رسانه‌ای است. ایران اگر بتواند از این حلقه‌ی بحران، به‌عنوان فرصتی برای بازتعریف نقش خود در قفقاز و اوراسیا استفاده کند و با تکمیل کریدور شمال-جنوب و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، جایگاه خود را به‌عنوان "هاب اتصال شرق و غرب" تثبیت نماید، نه تنها محاصره‌ی دشمن را خواهد شکست، بلکه به بازیگری تأثیرگذار در نظم نوین جهانی تبدیل خواهد شد.

همان‌گونه که رحیمی‌پور (۱۴۰۵) در سایت دیپلماسی ایرانی تأکید کرده، "در زنجیره‌ای از بحران‌ها، قوی‌ترین حلقه، حلقه‌ای است که از گسست دیگران به نفع خود استفاده کند، نه حلقه‌ای که خود، مبدأ گسست باشد". ایران با اتکا به ظرفیت‌های داخلی، قدرت بازدارندگی، و درک عمیق از هم‌پیوندی تحولات جهانی، می‌تواند این گسست را به نفع خود مدیریت کند و از دل بحران، فرصتی برای تثبیت جایگاه راهبردی خود در نظام بین‌الملل بیافریند.

منابع و مراجع

سال	عنوان	نویسنده / منبع	جغرافیایی
۱۴۰۵	جایگاه جوانه‌ی هرمز در زنجیره‌ی جنگ سرد نوین جهان امروز، دیپلماسی ایرانی	رحیمی‌پور، ع	ایران
2026	ICYMI: The Times of Central Asia: Daines' Tour Signals an Emerging U. S. Caspian Corridor Strategy	Senator Steve Daines	آمریکا
2026	How the Iran War boosted Central Asia's Middle Corridor	The National Interest	آمریکا
2026	Conflict, corridors, and commerce: How the Iran War is rewiring Eurasian trade	Caspian Policy Center	اروپا / اوراسیا
2026	US strengthening cooperation with Azerbaijan and Central Asian countries	Report. az (نقل از The Times of Central Asia)	قفقاز (آذربایجان)
2026	Azerbaijan strengthens air defense system amid risks identified by war around Iran	APA. az (نقل از Forbes)	قفقاز (آذربایجان)
2026	Azərbaycan İran müharibəsinin yaratdığı risklər fonunda hava hücumundan müdafiəsini gücləndirir	Olke. az (نقل از Forbes)	قفقاز (آذربایجان)
2026	"Forbes" in iddialarına aydınlıq: JF-17 qırıcılarının alınmasının əsas səbəbi nədir?	Oxu24. com	قفقاز (آذربایجان)
2026	JF-17 China-Pakistan masuk Kaukasus, siapa yang paling terancam?	Republika. co. id (نقل از منابع پاکستانی)	پاکستان / جنوب آسیا
2026	Influential US senator holds talks with leaders of Azerbaijan, Kazakhstan and Turkmenistan	Eurasianet	فرامنطقه‌ای
2026	"اطلاعیه‌ی رزمایش "قدرت وحدت – ۲۰۲۶"	وزارت دفاع جمهوری آذربایجان	ترکیه
2026	دیدار نمایندگان پوتین با مقامات آلمانی در باکو	منابع داخلی (تحلیل بر اساس داده‌های پرواز و دیدارهای محرمانه)	روسیه